

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

به مناسبت ۸۷ مین سال تولد زیگوارت – هورست گونتر، پزشک، ضد فاشیست، یهودی و هشدارگری شجاع

مصاحبه با کاشف بیماری خلیج

مصاحبه کننده: بریگیته کوک

برگردان از: حمید بهشتی

۱۶ مارچ ۲۰۱۲

- آقای پرفسور شما در سراسر جهان به عنوان کاشف بیماری خلیج شناخته شده اید، یعنی کسی که به کار بردن تسلیحات ساخته شده از تفاله اورانیوم در جنگ های ایالات متحده آمریکا و انگلستان علیه عراق را به اثبات رسانده است. این کار چگونه صورت گرفت؟

تصویر ۱

زیگوارت – هورست گونتر در ۲۴ فوریه ۱۹۲۵ در شهر هاله به دنیا آمد. او پزشک متخصص بیماری های مناطق حاره و محقق بیماری هائی است که توسط تسلیحات حاوی اورانیوم ایجاد می شوند. وی در حال حاضر در شهر هوزوم زندگی می کند.

وی در دوران نازی ها ستوان دوم بود، بارها مجروح گشت و عضو گروه مقاومت کلاوس گراف شینک فن شتوافن برگ بود. هنگامی که سوء قصد علیه هیتلر آشکار گشت، او را به اردوگاه بوخن والد انداختند.

پس از آزادی از اسارت فاشیسم، بین ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۰ در شهر پنا به تحصیل پزشکی پرداخت و دکترای خویش را نزد پرفسور دودرلاین گرفت.

وی جوان ترین پرفسور المان شرقی بود که از جانب آن کشور به قاهره فرستاده شد. بین ۱۹۶۳ تا ۶۵ نزد آلبرت شوایتز در لامبارنه مشغول خدمت بود. سپس به عنوان پرفسور در مصر، سوریه، اسرائیل و عراق کار کرد و از ۱۹۹۰ تا ۹۵ در بیمارستان دانشگاه بغداد خدمت می کرد.

وی پس از دومین جنگ خلیج (مقصود جنگ آمریکا و ناتو علیه عراق است – مترجم) چندین نمونه از مهمات دارای اورانیوم را که ارتش آمریکا آتش کرده بود، جمع آوری کرده و آنها را در سال ۱۹۹۵ برای آزمایش به برلین برد. نتیجه این آزمایشات در سه لابراتوار مستقل از یکدیگر مؤید این امر بود که مهمات مزبور به لحاظ تشعشعات هسته ئی خطرناک می باشند.

من در سال ۱۹۹۰ مأموریت یافتم که در دانشگاه بغداد با عنوان پرفسور کار کنم. آن زمان دوران تحریم اقتصادی عراق بود. برای تعطیلات کریسمس به المان بازگشته بودم. اندکی پس از آن بغداد را امریکا و انگلستان بمباران نمودند. پس از جنگ دوم خلیج من به عراق بازگشتم.

در راه میان بغداد و عمان پوکه های مهماتی نظرم را جلب کردند که غیر عادی بودند. در اکتبر سال ۱۹۹۱ در بصره در مرز کویت مشاهده کردم که کودکان با پوکه هائی بازی می کردند. یکی از این اطفال مبتلا به مرض سرطان خون گشت که برای کودکان غیر عادی می باشد و فوت کرد.

من از پولیس خواستم که این پوکه ها را جمع آوری کنند. یکی از این پوکه ها را با خود به المان برده و در سه لابراتوار مورد آزمایش قرار دادم. آزمایشات انجام شده در انستیتوی لوئیزه ماینر، در لابراتوار دانشگاه آزاد برلین و در آزمایشگاه دانشگاه هومبولت اثبات نمودند که امریکا تسلیحاتی را در جنگ عراق به کار گرفته بود که مطابق کنوانسیون ژنو به عنوان مذموم ارزیابی شده اند.

- دقیقاً نتیجه این آزمایشات چه بود؟

پوکه ای را که من با خود به برلین آورده بودم (که اکنون دیگر بدان بمب دارای تفاله اورانیوم گفته می شود) دارای جداره زبری است که به هنگام تماس موجب آلودگی به رادیو اکتیو می گردد و در صورتی که با آن تماس حاصل گردد، می تواند موجب آلودگی به مواد رادیو اکتیو و خسارت جسمی گردد.

میزان تشعشعات برآمده از سطح پوکه مزبور ۱۱ میکرو سیوز در ساعت می باشد. بنابراین پرسنل نظامی و کودکانی که با این پوکه ها بازی کنند، کفایت فقط یک ساعت با این پوکه ها در تماس بوده و یا در نزدیکی آن بوده باشند، تا به میزان یک سال رادیو اکتیوی را که غیر مجاز تلقی می گردد، دریافت نموده و به بدنشان سرایت کند.

علاوه بر این اینگونه تسلیحات دارای مواد رادیو اکتیو موجب بیماری سرطان و تضعیف سیستم تدافعی موجودات زنده و نقص جنین و امثال آن می گردد.

- به نظر شما چرا نیروهای ناتو این بمب های ساخته شده از تفاله اورانیوم را در مناطق جنگی به کار می برند؟

شرکت های سازنده جنگ افزار تسلیحات دارای تفاله اورانیوم را تولید می کنند زیرا آنها بسیار سنگین بوده و دارای تراکم جرم و چگالی بالا می باشد و لذا می توانند جداره فولادین و سمنتی را دریده، مانند این که به کره اصابت کرده باشند، از آنها بگذرند. در این هنگام حرارتی به میزان ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ درجه سانتی گراد ایجاد گشته، ساختمانها، پل ها و جداره پوششی تانک ها را سوزانده و پودر اورانیوم در فضا منتشر می گردد. این پودر از گلبول های خون ریزتر بوده، فاقد بو و مزه بوده با وزش باد می تواند داخل اتمسفر شده به دور کره زمین بچرخد. علاوه بر این داخل شدن آن به آب موجب خسارات غیر قابل سنجشی می گردد.

با توجه به این که برخی از موادی که در تسلیحات ساخته شده از تفاله اورانیوم دارای عمر تابش بیش از میلیونها سال می باشند، می توان دریافت که تمامی کره ارض در معرض خطر بوده، برای ساکنین آن و طبیعت خسارت بار است.

- هنگامی که شما جریمه ای را که دادگاه (ناحیه تیرگارتن در برلین) به خاطر آنچه که تحت عنوان قاچاق پوکه رادیو اکتیو بیان کرده بودند، نپرداختید، چه شد؟

من را مانند یک جنایتکار زندانی مورد بد رفتاری قرار دادند که ماجرای آن را در کتب مستندی در این باره تحت عناوین "شهود ساکت یک جنگ" و "تیرهای اورانیومی: سربازان به شدت خسارت دیده، نوزادان ناقص الخلقه، اطفال در حال مرگ" نوشته ام.

- بنابراین ما مدیون شما هستیم که موفق شدید توسط این آزمایشات سه گانه لابراتواری در المان ثابت کنید که این تیرهای ساخته شده از تفاله اورانیوم بمب های اتمی هستند.

بله، همینطور است. در حکم مربوط به جرم من که از جانب دادگاه ناحیه تیرگارتن در ۱۵ جنوری ۱۹۹۳ صادر شده است، چنین آمده:

"شما به این اتهام که در برلین و مکان های دیگر المان در جولای ۱۹۹۲ زباله های رادیو اکتیوی را که مطابق قانون مربوط به اتم یا بر اساس مقررات حقوقی مربوط به قانون اتم موظف بوده اید آنها را مسترد نمائید، استرداد ننموده و در حوالی نیمه جولای ۱۹۹۲ که به المان وارد شدید یک پوکه فلزی حاوی اورانیوم را با خود آوردید، بدین قصد که آن را به صورت نمونه مورد استفاده قرار دهید و آن را به بخش طب هسته ئی بیمارستان رودلف ویرشو عرضه نمودید ..."

- با این که شما را در آغاز دهه ۹۰ افراد بسیاری به عنوان طرفدار تنوری طوطنه تمسخر می کردند، حکومتگران به خوبی خطر نشر حقیقت از جانب شما را درک نموده و در سال ۱۹۹۹ اندکی به آغاز جنگ ناتو علیه یوگوسلاوی مانده که در آنجا نیز اینگونه تسلیحات به کار گرفته شدند، کوشیدند شما را به سکوت وادار کنند (یک پژوهشگر مستقل به نام ویلمز در مورد جنگ ناتو علیه یوگوسلاوی از به کار بردن صد نوع مهمات رادیو اکتیو سخن گفته است.)

بله، مستمسک آنها استتکاف سازمان بیمه بازنشستگی از پرداخت به من بود. در نوشته دادگاه شهر هوزوم، مؤرخ ۱۴ جولای ۱۹۹۹ به اختصار چنین آمده بود:

"من باید ... یک بار دیگر به شما یادآور شوم که از جانب ما نه به طور مستقیم می تواند پرداختی صورت گیرد و نه این که امکان این را داریم که سازمان بیمه بازنشستگی را بدین کار وادار کنیم. این دادرسی فقط در این مورد است که آیا می توان شخصی را برای یاری شما در اختیاراتان قرار داد یا که انجام اینکار ضروری است... در صورتی که تا ۳۰ جولای ۱۹۹۹ اطلاعیه ای از جانب آقای دکتر پلاتس (که ۱۹۹۹ ریاست بخش روانی بیمارستان کارل بونهوفر را بر عهده داشت) در باره موعد نزدیکی که قرار باشد شما را مورد معاینه قرار دهد، به ما نرسد، مجبور خواهم بود از این فرض حرکت کنم که شما حاضر نیستید توسط کارشناس مورد معاینه قرار گیرید. در این حالت قصد من این است که - همانگونه که به مناسبت ۷ جنوری ۱۹۹۹ صورت گرفت - ارسال شما را به بخش بسته برای معاینه و تحت نظر قرار دادن - بدواً برای مدت ۱۰ روز - مقرر نمایم تا گزارش کارشناس تهیه گردد. به اساس برداشتی که در دادرسی مؤرخ ۷ جنوری ۱۹۹۹ توسط پزشک حاضر در آن جلسه، دکتر مولکه اظهار گشت، شما مظنون بدین هستید که دچار خیالپردازی شده اید، به گونه ای که قابلیت انتقاد کردن را تا حدی از دست داده اید."

- به دنبال آن شما را حتا به بستری شدن اجباری در بخش روانی نیز تهدید نمودند؟

بله! در یک نامه دادگاه شهر هوزوم مؤرخ ۲۲ جنوری ۱۹۹۹ (به شماره Az:2C861/97 و AG C 1224/97) که نه توسط پست، بلکه مستقیماً به در منزل و به عمد با تأخیر در یک روز پنجشنبه، شب هنگام داده شد (که قرار بود بستری شدنم در یک بخش روانی در روز دوشنبه بعد به اجبار صورت گیرد) به من اطلاع داده شد: " به دلیل آغاز دوران تعطیلات معاینه شخص مورد نظر در بیمارستان ویژه نمی تواند پیش از ۲ نومبر ۱۹۹۹ صورت گیرد. بنابراین دادگاه نیز حد اکثر مدت اقامت و معاینه را تا ۱۰ نومبر ۱۹۹۹ محدود نموده است. حد اکثر تا آن زمان باید مشخص شده باشد که آیا بستری نمودن در بخش بسته برای معاینه وضعیت سلامت او لازم می باشد!"

و همانجا در ادامه مطلب چنین گفته شد:

" بستری نمودن شخص مورد نظر در بخش بسته یک بیمارستان روانی به منظور انجام مقدمات لازمه برای گزارش کارشناسی و تحت نظر قرار گرفتن وی تا ۳ نومبر ۱۹۹۹ مقرر می گردد. اگر مقامات مربوطه در ارسال شخص مورد نظر دخیل باشند، در صورت لزوم می توان به کمک پولیس و مأموران اجرائی از اعمال زور نیز استفاده نمود."

- از قرار معلوم حکومتگران این کشور به خوبی آگاه بوده اند که شما

۱ - نه قادر بودید بر حمایت از جانب خانواده خود متکی باشید (همسرتان که مانند خودتان پزشک می باشد، پس از آن که بر دیوار منزلتان علامت صلیت شکسته نازیها را خط خطی کرده بودند و شعارهای نازی ها را در جلوی منزلتان داده بودند، وحشت زده شد و با توجه به این که دیگر هیچ بیماری به وی مراجعه ننمود، از شما طلاق گرفت و از آن زمان در نقطه ای در جنوب المان زندگی می کند.

۲ - و نه این که دارای هیچ گونه بیمه حقوقی بودید. بنابراین در این زمان بسیار ساده می توانستند شما را بی سر و صدا منزوی کرده و برای همیشه دهان شما را ببندند.

البته من در یک گردهمایی در شهر ارفورت در باره جنگ یوگوسلاوی در سال ۱۹۹۹ با مادران مخالف جنگ آشنا شدم. (اکنون نام آنها "مادران مخالف جنگ، برلین- براندبورگ" است). هنگامی که در یک روز پنجشنبه دیر هنگام یک نامه تهدید آمیز به من داده شد که دوشنبه بعدش مرا به اجبار در بخش روانی بستری خواهند کرد، من به آنها زنگ زده و خواهان کمک شدم.

مادران مخالف جنگ روز بعد با آقای دکتر دیستل ارتباط گرفته و از او خواهش کردند حمایت حقوقی مرا تقبل نماید. علاوه بر آن با همکاری یک انجمن در همبورگ به تمامی روزنامه های مهم، فرستنده های رادیویی و تلویزیونی اطلاع رسانی کردند که من در معرض خطر قرار دارم.

علاوه بر آن یکی از افراد انجمن مادران مخالف جنگ به شهر سنت پیتر اوردینگ رفت، بدین قصد که از بردن من توسط پولیس در روز دوشنبه بعد ممانعت به عمل آورد. پس از این فعالیت ها دیگر من تنها نبودم و هنگامی که با اینحال قرار بود من را در بیمارستان کارل بونهوفر نسبت به وضع روانی ام معاینه کنند، ۵ تن از افراد این انجمن به اتفاق پرفسور شوت با من همراهی کردند. حتا آقای شولتز که وکیل مدافع است یک تلفن زنجیره ای را سازماندهی کرد تا در صورت بحرانی شدن اوضاع به رسانه ها خبررسانی شود.

- شما موفق شدید نتیجه کارشناسی بیمارستان بونهوفر را بخوانید. در آنجا چه نوشته بودند؟

آنجا در باره شخص من و با توجه به حمایتی که از جانب جنبش صلح از من می شد از جمله نوشته شده بود: " با اینحال گرایش خرابی در وی دیده شد. اما این که آیا این امر برای ناتوانی وی از اشتغال کافی ارزیابی شود، را باید دادگاه (از طریق کارشناسی پزشکی) تشخیص دهد. آقای پرفسور گ با تحت نظر بودن خویش موافق نیست. به همین دلیل نیز برای تحت نظر قرار دادن او که خلاف خواست اوست، می باید عدم قابلیت اشتغال در مورد وی به اثبات رسد.... پرفسور گ به لحاظ انرژی جسمی ضعیف بوده، اما به لحاظ توجه به موضوعات (تیرهای اورانیومی، خسارات محیط زیست و آلودگی انسانها به رادیو اکتیو) احساسات قوی در او مشاهده شد. آنها در انتهای ارزیابی به این نتیجه رسیده بودند: "در حال حاضر آقای پرفسور گ بدون مراقبت قانونی نیز در این وضعیت قرار دارد که امورات خویش را مستقلاً انجام دهد." البته این تذکر داده شد: اگر بدین طریق راهی برای امور مورد نظر پیدا نشود، می بایست به لحاظ پزشکی اعصاب و با توجه به جنبه مراقبتی، پس از گذشت یک مدت حداقل شش ماهه معاینه ای در آخر سر صورت گیرد.

- آیا ارگان های دولتی به خود اجازه دادند که در مورد شما معاینه نهانی را انجام دهند؟

انجام یک چنین معاینه نهانی را دیگر با توجه به شهرت روزافزون من و به رسمیت شناخته شدن اکتشافاتم در زمینه خطرناک بودن تسلیحات ساخته شده از تفاله اورانیوم به خود اجازه ندادند.

- شما از آشنایان دکتر لویرن مورت می باشید که از کارشناسان تابش بوده و همکار سابق مارتین فالک که از دانشمندان پروژه مانهاتن و از کارشناسان مشهور آزمایشگاههای لیورمور و متخصص بارش رادیو اکتیو* بوده است.

بله، همینطور است. او تسلیحات ساخته شده از تفاله اورانیوم را به اسب ترویای جنگ اتمی تشبیه کرده است. اینجا باید بدین موضوع اشاره شود: تا کنون همه جا در جهان در میدان های جنگ فقط تسلیحات ساخته شده از تفاله اورانیوم که به کار می رود، هم نمایندگان شرکت های سازنده جنگ افزار و هم دوابر رسمی حکومتی در ایالات متحده امریکا و تمامی کشورهای کاپیتالیستی به کار بردن اینگونه تسلیحات را در خفا انجام داده و انکار می کنند که تسلیحات دارای تفاله اورانیوم در واقع تسلیحات هسته ای می باشند و این هم یک دلیل دارد. زیرا در سال ۱۹۹۶ از جانب دادگاه بین المللی به کار گرفتن تسلیحات اتمی ممنوع اعلام شده است.

- پیام شما به طرفداران صلح و به ویژه به مخالفین انرژی اتمی در المان و جهان چیست؟

جنگ جنایت است. اما جنگ اتمی، به گونه ای که امریکا و متحدانش در حال حاضر مخفیانه انجام می دهند، جنایتی است علیه بشریت، که غیر قابل ترمیم و بهبودی است. وظیفه طرفداران صلح و نیز تمامی مخالفان انرژی اتمی است که انسانها را در زمینه تغییرات عظیم و غیر قابل ترمیم در طبیعت، عالم انسانی و حیوانات که از طریق به کار گرفتن تسلیحات نوین ساخته شده از تفاله اورانیوم به

وقوع می پیوندد، آگاه ساخته و موجب گردند که ممنوعیت نهائی آنها که در سال ۱۹۹۶ از جانب دادگاه بین المللی اعلام شده است، به مرحله اجراء در آید . برای این کار جرأت و پایداری لازم است و به خاطر حیات آیندگان اقدام عملی ضروری است.

* Fallout (بارش رادیو اکتیو): بارش رادیو اکتیو به دنبال انفجار اتمی ایجاد یا به دنبال اخلاص و واقعه ای بی کران در راکتورهای اتمی به وقوع می پیوندد. پس از اینگونه انفجارات، در اتمسفر غبار رادیواکتیو به گردش می افتد. این غبار در سطوح مختلف به حرکت در آمده و با سرعت ها و در جهت های مختلف به صورت غبارقابل تنفس به گردش می آید. این غبار و بارشی که با درجات مختلف دما و در حالات گوناگون بر زمین می ریزد قابل تشخیص و اندازه گیریست. تابش رادیو اکتیو این غبارات موجب خسارات رادیو اکتیو و احیانا مسمومیت می گردد. بدون غبار، بارش رادیو اکتیو ممکن نیست. (از دانشنامه ویکیپدیا)

برگرفته از سایت تلاکسکالا

۲۴ فبروری ۲۰۱۲



زیگوارت-هورست گونتر



